

و خودم را هل می‌دهم به سمتی که مطمئن هستم برایم تجربه خوبی به همراه دارد و لو با شکست همراه باشد.

در حوزه بازی چند سالی است که استعداد، حرف اول را نمی‌زند و چیزهای دیگری مثل فضای مجازی و پورنگ شدن‌های یکباره و ارتباطات خارج از صحنه، بیشتر تعیین تکلیف می‌کنند؛ شما فکر می‌کنید که این موضوع و همه گیر شدن آن به صلاح هنر است؟

امثال من که تعدادشان هم کم نیست در شهرهایی غیر از تهران فعالیت می‌کنند. اگر بخوام درباره خودم بگویم ماجرا این است که تقریباً بیست سال است که تئاتر کار می‌کنم ولی دیده نشده‌ام چون پتانسیل شهرهای کوچک تا حدی است و تا همان حد بالای آبی و دیگر جای رشدی وجود ندارد و اگر بیشتر از آن را بخواهی فقط در جازدن می‌شود. تصور من این هست که برای پیشرفت، رشد و بیشتر دیده شدن حتماً باید به تهران یا شهرهای بزرگ‌تر آمد که این موضوع مایه تأسف است.

شما با یک تخصص به سرانجام نرسیده خواستید خودتان را در فضای مجازی مطرح کنید و این دقیقاً خلاف کسانی است که بدون تخصص به یکباره در این فضا دیده می‌شوند.

من سال‌هاست تئاتر کار می‌کنم و دیده نشده‌ام اما به واسطه فضای مجازی یک شب دیده شدم و بعد از آن خیلی‌ها تحقیق کردند و متوجه شدند که تجربه تئاتری و جوایز متعدد تئاتری دارم. حرف من این است که اگر کسی به واسطه فضای مجازی دیده شد کار اشتباهی است و نباید قضاوت کرد. اگر کسی به واسطه فضای مجازی دیده شد باید دید چند مرده حلاج است. از او اجرا دید و در آن زمان قضاوت کرد.

این‌جا برای اولین بار می‌خواهم از کسانی گلایه کنم که تعدادشان اندک است و منظور نظرم همه نیستند. زمانی که پای من به تئاتر تهران باز شد بعضی از دوستان که فکر می‌کنند تئاتر ارث پدری یا مادری خودشان است یا در سلطه خودشان است بر خورد مناسبی نداشتند چون تصور می‌کنند نباید کسی از بیرون وارد آن شود، این موضوعات برای من جای تعجب داشت چون کسی که وارد این وادی‌ها می‌شود

نه قرار است جای کسی را پر کند و نه قرار است جای کسی بنشیند. در تئاتر به شرط وجود استعداد و توانایی، جا برای همه هست. آن‌ها بدون این که کاری از من دیده باشند شروع کردند به موضع‌گیری‌ها و حملات که برای من تعجب‌آور بود. من از همین‌جا به این دوستان اعلام می‌کنم اگر احساس تنگی‌جا می‌کنند پیاده شوند چون من حالا حلاً قصد پیاده شدن ندارم. (می‌خندد) خدارا شکر این درباره

اولین باری که کشف شدید و حس کردید کسی متوجه پتانسیل‌های شما شده، از اعضای خانواده خودتان بود یا دوستان بود؟

در بچگی شاید پدر و مادر و عموهایم بودند اما به صورت جدی‌تر مربی تئاترمان در دوره راهنمایی بود. من و دو نفر از دوستان نزدیکم نسیم سلیمان پور و محمدحسین توحیدی در شیراز یک گروه تئاتری به اسم «میتوس» را بنا نهادیم و خیلی از این گروه بیرون آمدند که به نوعی کشف‌کننده استعدادهای هم بودیم. من و حسین توحیدی سال‌های سال کنار هم تئاتر کار کردیم. نسیم و نیما سلیمان پور هم که در زمینه بین‌المللی کار می‌کنند نمایشنامه‌هایی به اسم «خرگوش سفید، خرگوش قرمز» و «تسیم» را نوشت و اجرا کرد که در حال حاضر یکی از موفق‌ترین نویسندگان و کارگردان‌های خارج از ایران است. اما در کل و به صورت دقیق فکر می‌کنم اولین باری که به صورت تقریباً حرفه‌ای کشف شدم توسط معلم تئاترمان در مدرسه بود.

در خانواده شما چقدر به پرورش استعداد و استعدادهای فرزند توجه می‌شود؟

علاقه دارند، دیدنند، درباره

من، چه درباره خواهرم. در هر مرحله وقتی که تغییر فاز می‌دادم و از این شاخه به آن شاخه می‌رفتم هم حمایت می‌کردند.

به قول شما افرادی که از این شاخه به آن شاخه می‌روند حتماً استعدادی را در درون خودشان پیدا می‌کنند، اما این احتمال وجود دارد که هر بار نتوانند موفق شوند یا چیزهای زیادی را از دست بدهند و از نقطه صفر شروع کنند؛ برای شما چند بار این اتفاق افتاد که مجبور شوید از صفر شروع کنید؟

این از صفر شروع کردن برای من تقریباً ۲-۳ بار اتفاق افتاد. خواستم حیطه شغلی مهندسی را بعد از اتمام درسم پیگیری کنم اما به جایی نرسید. به خارج از کشور سفر کردم و تصمیم داشتم بمانم اما نتوانستم با محیط سازگار شوم، برگشتم و دوباره از صفر شروع کردم. به هر حال برای هر کسی این اتفاقات پیش می‌آید که به نظرم خوب و لازم است.

ولی به هر حال این از صفر شروع کردن ممکن است گاهی باعث سقوط هم بشود و این احتمالاً نشان از روحیه جنگجویی شما دارد.

بله؛ چون من در این موضوع پدرم را الگوی خودم قرار دادم. وقتی می‌دیدم او هم در شرایط سخت زندگی، چندین بار از صفر شروع کرد و توانست خود و خانواده‌اش را جمع کند به خودم می‌گویم که چرا من نتوانم و بنابراین این ریسک را می‌کنم



ExpertSoft Trial Version

باسهیل مستجابیان درباره استعدادهای ذاتی و نقش آن‌ها در پیشرفت

۲-۳ بار از صفر شروع کردم

دنیا خمایی: دیگر دورهای که بتوان با قاطعیت گفت هر کسی که از فضای مجازی بالا می‌آید و دیده می‌شود یک‌شبه معروف شده، شانس آورده و استعداد خاصی ندارد، گذشته است و حالا برخی از افراد که فضای مجازی، آن‌ها را در پشت جلوه می‌دهد و آن‌ها به

شهرت می‌رسند، خودشان پیش از این، استعدادی نشکفته بودند که سال‌ها ممارست کرده‌اند و این فرصت فقط ابزاری بوده که در اختیار آن‌ها قرار گرفته است. یکی از این افراد، سهیل مستجابیان است که سال‌ها در تئاتر شیراز و تهران کار کرده اما دیده نشده و فنون متفاوتی را بلد است که در نهایت با یکی از استعدادها که خودش آن را سرگرمی می‌داند به مردم شناسانده می‌شود و وارد حیطه جدی کار بازیگری می‌شود. مستجابیان در انتظار اکران فیلم «بی‌حسی موضعی» به کارگردانی حسین مهکام است و این شب‌ها نیز در نمایش «بداه» به کارگردانی آرون دست‌آرای حضور دارد. این گفت‌وگو با موضوع تاثیر استعدادها و فرصت‌ها بر زندگی کاری هنرمندان است که نتیجه‌اش را می‌خوانید.

